

مجلس اول و بحران آزادی

فریدون آدمیت در آخرین نوشته خود در باره "ریشه های فکری حرکت مشروطه خواهی در ایران" که آنرا "ایدیولوژی نهضت مشروطیت ایران" (جلد دوم) نامیده و برای آن عنوان مهم "مجلس اول و بحران آزادی" را برگزیده است، در توضیح روش تحقیق و طبقه بندی منابع تحقیق که آن ها را "فقط مواد و مصالح" کار خود می داند، می نویسد: "این اثر، تحقیق مستقیم برپایه منابع اصیل تاریخی است، منابعی که متنوع اند و اصلتشان ارتباط با موضوع و مقوله مورد مطالعه دارد. یک مدرک تاریخی می تواند برای بررسی قضیه یا مطلبی معتبر باشد و همان نوشته در مقوله دیگر به کلی نا معتبر. به مثل مقالات روزنامه ها منبع عمده بررسی وجهه نظر مطبوعات و حتی برخی رویدادهاست، اما تحلیل سیاست خارجی به ماخذ نوشته های جراید عاری از ارزش و اعتبار علمی است".

آدمیت در دیباچه کتاب "مجلس اول و بحران آزادی" با طرح این پرسش که "مگر هر نکته جزئی یا همه جزئیات به کار تاریخ می خورند؟" می نویسد: "تاریخ نویسی غیر از فن نقالی است، ریزه وقایع در دل حوادث عمده جای دارند، نیازی هم به دراز نفسی و انباشتن انبوه یادداشت های مربوط و نا مربوط بر روی هم نیست". نویسنده "مجلس اول و بحران آزادی" صورت مذاکرات مجلس را از مهمترین منابع و اسناد در بررسی کارنامه مجلس اول و مجلس "موسس" می داند و می گوید "به عقیده ما شایسته است که چاپ تازه و کاملتری از صورت مذاکرات مجلس موسس انتشار یابد" و حدود دو دهه پس از آن چاپ کامل تری از "مذاکرات مجلس اول" به همت غلامحسین میرزا صالح منتشر می شود.

آدمیت می نویسد: "از وصله پینه کردن ترجمه های نادقیق مجموعه اسناد سیاسی (خارجی) نمی شود به "معانی دقیق پی برد".

سرگذشت شخصی را در بررسی های تاریخی اساسا بی اهمیت و همانند "یادداشت های موضوعی" دامنه استفاده از آن ها را محدود و تنگ ارزیابی می کند و در توضیح آن می افزاید: "عامل روانشناسی فردی طبعا و به درجات بر سرگذشت ها و خاطرات تاثیر دارد". آدمیت "بیماری خود شیفتگی و محو جمال خویش بودن" را از ویژگی های بسیاری از مردان سیاسی می داند و نتیجه می گیرد که "سرگذشت شخصی را نمی توان تصویری دانست که صورتگر در برابر آینه از چهره خویش می سازد". خاطره نویسان امروزی که گویی عمدتا "مردان سیاسی" هستند، و خاطره نویسی را نوعی "تاریخ نویسی" قلمداد می کنند، مورد توجه آدمیت قرار گرفته و در همین بخش از کتاب خود مینویسد: "مردان سیاسی کمتر به خطا های خود معترف هستند، همه غلط کاری بر گردن دیگران است، گاه نیز اهل سیاست کسانی را به استخدام خود در می آورند که به دفاع و توجیه کردار ایشان برآیند و تبلیغ گرانشان باشند. هرچه کم داشته باشیم هیچگاه مردمان نوکر صفت و بی فضیلت و شارلاتان کم نداشته ایم که با مقاله (وبی مقاله) و حتی رساله نویسی به مغالطه کاری در مباحث "دست ببرند".

آدمیت به دیگر منابع مهم مورد استفاده خود از جمله "چند دست خط محرمانه و سایر نوشته های خصوصی محمد علی شاه و سلسله تلگراف های رسمی محمد علی شاه به ایالات و ولایات پیش از انحلال

مجلس واسناد ومدارک موجود در آرشیو های دولتی خارجی واینکه به کارگیری آن ها را در چه موضوعات و محدوده هایی معتبر می داند، اشاره می کند و اخبارگزارشگران محلی را به ماموران خارجی به لحاظ اعتبار محدود ودرستی و نادرستی آن ها را به دیگر منابع مشروط می کند، همچنین حیطه اعتبار واهمیت و نحوه استفاده و بهره برداری از کتاب های آبی و نارنجی را توضیح می دهد.

آدمیت در ارزیابی و سنجش روزنامه ها در فاصله زمانی فعالیت مجلس اول می نویسد: ” روزنامه های انگشت شماری را می شناسیم که به درجات پای بند درستی اخبار بودند”. آدمیت با استثنا کردن ” روزنامه محاکمات که در شناخت آیین رسیدگی قضایی ” منبع درجه اول بود، سایر روزنامه ها را در این دوره ” از نظر دانش و تفکر اجتماعی و سیاسی خیلی کم مایه ، بی ارزش و هرزه گو” ارزیابی می کند، دامنه نشر آن ها را بسیار محدود و تیراژ معتبر ترین روزنامه های پایتخت در آن زمان را، دویست تا سیصد نسخه گزارش کرده است. و بررسی همین موضوع را به عنوان موضوع یک کار تحقیقی توصیه می کند. آدمیت به مضامین ” جلف و سخیف آلوده به بهتان ” و جنجال ها و هیاهوهای روزنامه ها و شب نامه ها که در سایه دولت مشروطه عرض اندام می کردند و از محصولات مشروطیت بودند و نه علل آن اشاره می کند. آدمیت در واپسین سطور دیباچه خود بر ” مجلس اول و بحران آزادی ” ضمن اشاره ای به رساله مختصر خود با عنوان ” آشفنگی در فکر تاریخی ” که پیش از کتاب ” مجلس اول و بحران آزادی ” نوشته است، از مقوله ” کژفهمی های تاریخی ” سخن گفته است. و با توجه به ” جهان دانش جدید ” می گوید عصر ” علامگی ” سپری گشته است.

آدمیت در اشاره ای بسیار کوتاه در باره ” تاریخ نویسی جدید ” می نویسد: ” کار مورخ گرد آوردن واقعیات از هر قبیل و تلبار کردن آن ها به صورت خشکه استخوان در موزه آثار باستانی نیست. تاریخ نگارانی بوده اند که جزئیات وقایع را به صورت مواد خام تاریخ ثبت می کردند بدون اینکه به کشف علل و نتیجه آنها برآیند یا بتوانند از مجموع آن ها فکر عمیقی عرضه بدارند”. فریدون آدمیت در اشاره مختصر خود به ” تاریخ نویسی جدید ” منظور خود را در عبارتی دیگر اینگونه توضیح می دهد: ” آنچه به تاریخ روح و معنا می دهد گنجاندن کل ریزه وقایع در متن تاریخ نیست، بلکه دست یافتن به گذشته زنده ” و شناخت جریان تاریخ است.

سید جواد طباطبایی در نخستین جلد از پژوهش های خود تحت عنوان ” تاملی در باره ایران ” در کتاب « دیباچه ای بر نظریه انحطاط ایران »، در واقع کوشش خود ” برای طرح و تدوین « نظریه انحطاط ایران » (را) کوششی (می داند) در روند تدوین مفاهیم و مقولات تاریخ ایران “. یعنی تدوین دستگامی از مفاهیم سیاسی جدید که پی آمد جهانی شدن مناسبات سیاسی میان دولت های ملی بود و بدون درک آن ها نمی توان به ” منطبق آن مناسبات ” پی برد. مفاهیم بنیادین جدیدی همچون ... «دولت»، «ملت»، «حاکمیت»، و

طباطبایی در درآمد کتاب مکتب تبریز با عنوان ” اشارات نابهنگام در تاریخ نویسی ایرانی ”، ضمن طرح بحث مهمی در رابطه با تاریخ نویسی جدید و با اشاره ای به ” بحث های نشانه نویسی تاریخ ”، می نویسد: کاربرد « تاریخ پایه ای » به عنوان علم تاریخ، نه «توصیف واقعه ها، بلکه توضیح معنای واقعه ها ست ». بدین سان، در کنار تاریخ واقعه ها، به عنوان تاریخ سطح واقعه ها، باید وجود «تاریخ ژرفی» را نیز پذیرفت. و در توضیح مهمترین اصل روش شناسی ” تاریخ نویسی جدید ”، تاریخ راستین را تاریخ معاصر

میداند و می نویسد: ” مرکز ثقل زمان تاریخی، زمان حال ناظر بر آینده است و همین زمان حال، سرشت و معنای زمان گذشته و دوره های آن را متعین می کند، تاریخ نویس در تدوین تاریخ پیوسته، به دیدگاه زمانه خود نظر دارد و هیچ تاریخ نویسی نمی تواند با اعراض از آگاهی زمانه خود تاریخ را از دیدگاه قدما بفهمد و تدوین کند، تاریخ نویس، به خلاف اهل ایدیولوژی... کوشش می کند با تنقیح مفاهیم و مقولات ”تاریخ نویسی جدید، که بر پایه آگاهی جدید تدوین شده اند، نسبت گذشته با حال را تبیین کند

فریدون آدمیت ” آخرین اثر خود را به ماخذ مدارک معتبر و به روش انتقاد تاریخی نوشته و افسانه ها و مفروضات تبلیغ آمیز را طرد و در باره مهمترین حوادث سیاسی تحلیل و تفسیرهای تازه عرضه و در کارنامه مجلس ملی و اهل مجلس تجدید نظر کلی کرده و مباحث نو که پیش از این مطرح نگشته بر کتاب ” مشروطیت افزوده است

قسمت اول:

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2013/08/2013-08-17_a.mp3]

قسمت دوم:

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2013/08/2013-08-17_b.mp3]

دریافت ما از مشروطه خواهی

تقی زاده: کلمه مشروطیت از لغت شارح فرنگی، به معنی فرمان و قرارداد اخذ شده و در مشرق زمین هم لفظ مشروطیت و هم اصطلاح قانون اساسی و هم خود شکل حکومت معروف به این اسم به ایران از مملکت عثمانی آمده و از آنجا اقتباس شده است. رضازاده شفق: کلمه مشروطه از ترکیه به ایران آمده و ممکن است ترکها آن را درست کرده باشند... عبدالهادی حایری: در ترکیه عثمانی از چندی پیش از اعلام مشروطه 1876 و از مشروطه در پیوند با حکومتی به کار برده می شده است که بر اساس یک قانون اساسی پایه گذاری شود. نامق کمال، اندیشه گرسده 19 عثمانی، به کرات در نوشته های خود عبارت های دولت مشروطه و اداره مشروطه را به معنای حکومت قانونی و غیر استبدادی به کار برده است

واژه مشروطه به این معنا از ترکیه عثمانی به ایران آمده و به نظر می رسد که برای نخستین بار. میرزا حسین خان سپهسالار در سال 1868، هنگامی که سفیر ایران در دربار امپراطوری عثمانی بود، این واژه را در خلال برخی از گزارش های خود به معنی مورد بحث کنونی ما به ایرانیان معرفی کرد. جواد طباطبایی: دریافت ما از «مشروطه خواهی» که معادلی برای اصطلاح کنستیتوسیونالیسم در تاریخ اندیشه است، تخته بند آن سابقه تراشی عوامانه ای است که تصور می کردند از

«شرط» و «شارت» و... برگرفته شده و مندرج در تحت قواعد لغت بازی از سنخ «شرط، شارط و هو مشروط» و... قرار می گیرد. دریافت ما از جنبش مشروطه خواهی و اندیشه مشروطیت زمانی دقت لازم را پیدا خواهد کرد که آن را به عنوان فصلی در تحول مفاهیم اندیشه سیاسی، لحظه ای در «انقلاب های دموکراتیکی» و به مثابه آغاز پایان نظام های خود کامه - و نه تنها سلطنت - بفهمیم. از این حیث، مشروطه خواهی حادثه ای در تاریخ جهانی آزادی و حکومت قانون است، چنان که مفهوم مشروطه خواهی به نظام های کشور هایی نیز اطلاق می شود که نظام های جمهوری دارند

قسمت اول:

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2013/08/2013-08-03_a.mp3]

قسمت دوم:

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2013/08/2013-08-03_b.mp3]